

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۰۶ فبروری ۲۰۱۷

"احمد شاه مسعود خاین ملی"

وقتی ۱۲ سال قبل رساله کوچک "سال ۱۷۴۷ باز تولد یک کشور کهن" را در پاسخ به پاره سرائی های انسان جیون و بزدلی که در عقب نام مستعار "چهره نما" هویت اصلی خود را مخفی نموده بود، نگاشتم در آنجا با صراحت کامل ابراز داشتم که در کنار سایر عوامل و این که دو افغان بر روی یک دسترخوان بدون دعوا نشسته نمی توانند، عدم موجودیت معیار ها و سنجه های ارزشی می باشد که بتوانند بر مبنای آن امری را خوب و یا بد معرفی بدارند. یعنی چون محک و ترازوی عام قبول برای بررسی افعال و کردار انسانها وجود ندارد، به همین دلیل هر یک از شرکت کنندگان در یک بحث واحد، با همان ارزش و معیاری که خود به آن باور دارند به قضایا نگر بسته، در نتیجه یا کسی را الی عرش اعلا بالا می برند و یا هم جایگاه فردی را پائینتر از "اسفل السافلین" هر چند از لحاظ منطق ممکن هم نباشد، معرفی می دارند. به همان اساس و در همان زمان از تمام آنهایی که در یک بحث اجتماعی می خواهند حصه بگیرند، صمیمانه تقاضا نمودم تا قبل از آغاز به بحث با دیگران، خود و دیگران را به مشکل مواجه ساختن، لطف نموده در گام نخست با توحید مفاهیم مورد بحث، این را روشن بگردانند که در مورد چه چیزی می خواهند بحث نمایند و در ثانی قبل از اصدار حکم برانت و یا ملامت فردی، معیار ها و سنجه های ارزشی شان را با هم توحید نموده، به استناد به آن بدون در نظر داشت حب و بغض دوست و دشمن، خوب را خوب و بد را بد بگویند.

تا جایی که خود، این امر را تعقیب نموده ام با تأسف این پیشنهاد در بررسی شخصیت افراد و تعیین معیار های ارزشی قبل از صدور حکم در مورد آنها، کمتر از آنچه انتظار می رفت مورد استقبال قرار گرفت؛ در حدی که اگر بنویسم افراد کمی حاضر شدند قبل از صدور حکم در مورد این و یا آن، نخست معیار هایشان را معرفی بدارند، مطمئناً در حق هیچ کسی ظلمی روا نداشته ام. به همین اساس اینک که با در نظر داشت سند جدیدی که از طرف یکی از حکمداران ایران ارائه شده، می خواهم مجدداً به "خاین ملی احمد شاه مسعود" تأکید بورزم به ناگزیر جهت روشن شدن قضیه و این که اساساً خیانت ملی چه است، نخست مشترکاً با شما به "ویکی پدیا" مراجعه نموده، بعداً بحث ما را ادامه می دهیم. در ویکی پدیا- دانشنامه آزاد - به ارتباط "خیانت" ملی چنین می خوانیم:

"بر پایه قوانین کشورها، به عدم وفاداری مجرمانه اشخاص نسبت به منافع میهن خود، خیانت بزرگ یا خیانت ملی گفته

می شود.

شرکت کردن در جنگ علیه کشور خود، کوشش در [براندازی](#) حکومت کشور، جاسوسی در نیروهای نظامی کشور، دیپلمات‌ها یا سرویس‌های اطلاعاتی کشور برای نیروهای بیگانه و سوءقصد به رهبر یا رئیس کشور از جمله موارد خیانت بزرگ به شمار می‌آید.

خیانت بزرگ از جرایم سنگین به‌شمار می‌آید و [کیفر](#) آن در بسیاری کشورها [مرگ](#) است. برای موارد و مصادیق خیانت بزرگ در قوانین اساسی و کیفری هر کشور موارد جداگانه یا مختلفی درج شده است.

در قانون اساسی افغانستان [ویرایش](#)

قانون جرایم افغانستان علیه امنیت داخلی و خارجی، خیانت به وطن را خیانت ملی قلمداد کرده و گفته‌است: اعمال عمدی تبعه جمهوری اسلامی افغانستان علیه حق حاکمیت مردمی، صیانت، [تمامیت ارضی](#)، استقلال و امنیت ملی و قابلیت دفاعی کشور می‌باشد که عبارت است از: پیوستن به دشمن، فعالیت مسلحانه علیه حاکمیت مردمی، جاسوسی، تسلیمی نیروها، واگذاری سلاح، [تخنيک محاربي](#)، استحکامات و سایر وسایل پیشبرد جنگ، در اختیار گذاشتن معلومات حاوی اسرار دولتی و نظامی به کشورها یا سازمان‌ها و یا گروه‌های ضد دولتی، تشریک مساعی و همکاری با کشورهای خارجی یا سازمانها یا گروه‌های ضد دولتی در اجرای فعالیت خصمانه شان علیه جمهوری اسلامی افغانستان توطئه به منظور کسب قدرت دولتی، مرتکب جرم خیانت به وطن به جزای حبس دوام یا [اعدام](#) و [مصادره](#) دارائی محکوم می‌گردد.^[۱]

همچنین در قانون اساسی افغانستان آمده است: «اگر انتخابات به تعویق انداخته شود، و رئیس جمهور به کار خود ادامه دهد، این به معنی کسب قدرت از طریق غیرقانونی تلقی شده، مطابق به ماده دوم قانون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، خیانت ملی به حساب می‌آید.»^[۲]

منابع [ویرایش](#)

• ویکی‌پدیای انگلیسی.

۱. [پرش به بالا ↑ هفته‌نامه مشارکت ملی](#)، بازدید: اپریل ۲۰۰۹.

۲. [پرش به بالا ↑ جبهه ملی، بر سر دوراهی](#)، بازدید: اپریل ۲۰۰۹.

از ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

پرش به: [ناویری](#)، [جست و جو](#)

برای دیگر کاربردها، [خیانت \(ابهام‌زدایی\)](#) را ببینید.

«[خائن](#)» به اینجا تغییرمسیر دارد. برای دیگر کاربردها، [خائن \(ابهام‌زدایی\)](#) را ببینید.



مجازات توماس آرمسترانگ به دلیل خیانت ۱۶۸۴

در قانون، **خیانت** دلالت بر جرم‌هایی دارد که علیه **حاکمیت** یا **ملتی** رخ می‌دهد. به صورت تاریخی خیانت علیه حاکم یا پادشاه **خیانت ملی** نامیده شده است. و به کسی که عمل خیانت از وی سرزده، خائن اطلاق می‌گردد. خیانت به کشور عبارت است از سوء قصد به **ضد امنیت کشور به وسیلهٔ ایجاد ارتباط با کشور دیگری که دارای سلطه و استقلال است**. باید توجه داشت که مبنای جرم بودن این عمل در حقیقت پیمان‌شکنی، بی‌وفائی، و زیر پای گذاشتن حقی است که یک کشور و دولت به عهدهٔ شهروندان خود دارد^[۱]. در واقع تعریف دیگری از خیانت عبارت است از سوء استفاده از **اعتماد** شخص یا یک گروه و انجام عملی که آنها را از لحاظ مادی یا معنوی متضرر سازد.

خیانت در لغت مشتق از «خَوَن» به معنای مخالفت با حق و پیمان در پنهانی است.^[۲] اهل لغت خیانت را از جمله مخالفت با حق از طریق نقض عهد مخفیانه معنا کرده‌اند. ولتر خالی کردن خزانه، افشای اسرار، تحویل دوست به خصم یا افشای محل او به دشمن را به خائن نسبت می‌دهد.

از دید حکومتگران، خیانت فعل عمدی یک فرد یا گروهی است که **منافع یک قدرت بیگانه را در زمان صلح یا جنگ به زیان میهن خویش تأمین**، و امنیت کشور و نظام حکومتی را به مخاطره اندازد و **مهم‌ترین مصادیق آن همکاری با دولت خارجی و گِرا دادن به بیگانه است**. میلان کوندرا، در کتاب «هنر رمان» می‌گوید: «خیانت از صف خارج شدن و به سوی نامعلوم رفتن است».

خیانت در زمینه‌های متفاوت به کار می‌رود اما در تمام آنها، یک کاربرد معین دارد: حذف و نابود کردن کسی که قرار است خائن معرفی شود.

«خیانت»، اگرچه در زندگی روزمره و در ادبیات (از جمله ادبیات دینی، مثلاً مورد یهودا) مطرح بوده، اما کمتر موضوع اندیشه‌های ورزی جدی قرار گرفته است. با توجه به سیالیت مفهوم خیانت، برای تثبیت آن بایستی به مفهوم «قرارداد» رجوع کنیم. خیانت همواره زیرپا گذاشتن یک قرارداد است و در نهایت نظر به یک قرارداد است که نظر نسبت به خیانت به آن را تعیین می‌کند. از این زاویه هم باز به یک مفهوم نسبی می‌رسیم. خائن به مفهوم پیمان‌شکن است. مسأله اینجاست که پیمان به عنوان قراردادی جمعی و گروهی امری فرهنگی اجتماعی است و در نتیجه تاریخی. بنابراین پیمانها قراردادی هستند و پیمان‌شکنی نیز امری قراردادی است و مفهوم آن به نسبت زمان و مکان تغییر می‌کند. پیمانها می‌توانند برسر ارزشهای خانوادگی، سیاسی، اخلاقی، مذهبی، ایدئولوژیک و غیره باشند. می‌توانند پیشرفته، روا دار و به نفع حقوق و آزادی انسانها باشند یا به عکس، ارزشهای تنگ نظرانه و واپسگرا را نمایندگی کنند. قراردادهای حتی می‌توانند ارزشهای تحمیلی و ناخواسته باشند و به زور و جبر اعمال شوند.

جستارهای وابسته | ویرایش

• [خیانت ملی](#)

• [خیانت عاطفی](#)

- **ویراستاری و تکیه روی جملات به رنگ سرخ از این قلم است- موسوی-**

با در نظر داشت آن که تعریف خیانت ملی و در نتیجه مشخص ساختن "خاین ملی" طیفهای گوناگون و ابعاد مختلف فعالیت اجتماعی انسانها را در مسیر حیات اجتماعی شان در بر می‌گیرد، ما در اینجا آن بخشی را که در کشور ما در طول تاریخ به مثابه خیانت ملی به رسمیت شناخته شده و به همان اساس افرادی چون "شاه شجاع" و "بیرک کارمل" به مثابه خاین ملی ثبت تاریخ شده اند، به رنگ سرخ مشخص ساختیم، یعنی احکام " **ضد امنیت کشور به وسیلهٔ ایجاد ارتباط با کشور دیگری که دارای سلطه و استقلال است**، **منافع یک قدرت بیگانه را در زمان صلح یا جنگ به زیان میهن خویش تأمین**، و **مهم‌ترین مصادیق آن همکاری با دولت خارجی و گِرا دادن به بیگانه است**، به صراحت می‌رساند

که رابطه گرفتن با یک کشور بیگانه به منظور استمداد و از آن جهت خود را به حاکمیت رسانیدن، تحت هر عنوانی که باشد، خیانت ملی به شمار رفته، مجری چنان عملی خاین ملی می باشد.

آنچه در این میان به نظر من خیلی ها اهمیت دارد، عدم توجه به این که متقاضی کمک و یا جوینده کمک چه کسی است و خود را در چه مقامی می بیند، بلکه عکس آن توجه کامل در همکاری و همسوئی با بیگانگان تبارز یافته است. به همین دلیل هم است که ما به خود حق می دهیم تا "شاه شجاع" را "خاین ملی" بنامیم، "ببرک کارمل" را "خاین ملی" بنامیم. اگر غیر از این بود و شاخص اصلی استمداد از بیگانه مطرح نمی شد و به اصطلاح واضع قانون حقانیت این و یا آن فرد را زیر این و یا آن بهانه به رسمیت می شناخت، واضح بود که هم "شاه شجاع" می توانست از حکم تاریخ فرار نماید و هم "ببرک کارمل".

به همین اساس هم است که ما به خود حق می دهیم تا تمام زمامداران بعد از هفت ثور ۱۳۵۷ را که همیشه جهت رسیدن شان به حاکمیت بر شانه های بیگانگان سوار، خود را به قدرت رسانیده اند، "خاین ملی" می دانیم حال می خواهد آن فرد، "ربانی" باشد یا "ملا عمر" و یا هم "کرزی" باشد و یا "اشرف غنی" محتوای حکم در مورد آنها فرقی نمی کند. خوانندگان نهایت عزیز!

حال که تا اینجا خود را رسانیده و یا "معیار و سنجه" خاصی را جهت تثبیت "خاین ملی" پذیرفتیم، باز هم توجه تان را به این متن جلب می نمایم:

نامه‌ای مهم از سوی رهبری که مانع یک حمله نظامی شد



خبرگزاری میزان در مطلبی به واکاوی سخنان علی ربیعی معاون وقت شورای عالی امنیت ملی از حادثه حمله طالبان به کنسولگری ایران در افغانستان پرداخته است.

"روز عجیبی بود." این جمله ۳ کلمه ای توصیف «معاون وقت شورای عالی امنیت ملی» از روز حمله نیروهای طالبان به کنسولگری ایران در افغانستان است. این مقام امنیتی در یک برنامه تلویزیونی در پاسخ به سؤالی در ابتداء به بیان جمله کوتاه بالا پسند کرده و ادامه داد: "نمی‌دانم چه میزان مصلحت است این مباحث باز شود."

«اشاره این مقام سابق امنیتی به حادثه حمله طالبان به کنسولگری ایران در اگست سال ۱۹۹۸ (مرداد [اسد] ۱۳۷۷) بر می گردد؛ در آن زمان نیروهای طالبان شهر مزار شریف (این شهر شمالی افغانستان یکی از پایگاه های مورد حمایت تهران بود) را به تصرف خود درآوردند. آنها بلافاصله صدها مرد و پسر هزاره را علی الظاهر برای جلوگیری از مقاومت فزاینده شان در برابر حکومت طالبان اعدام کردند. به علاوه، آنها به کنسولگری ایران در مزار شریف یورش برده و هشت دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی را کشتند؛ این اقدام، جمهوری اسلامی را در آستانه جنگ با طالبان قرار داد؛ جنگی که برخی از فعالان سیاسی دولت وقت خواستار حضور کشورمان در معرکه آن بودند؛ اما برخی از اعضای شورای عالی امنیت ملی (مخالفین حمله به افغانستان) معتقد بودند که طالبان نماینده ملت افغانستان نیست؛ با بسیج

قابل ملاحظه نیروهای نظامی در طول مرزهای افغانستان، ایران تنها یک قدم با درگیری در جنگی احتمالاً طولانی مدت و خونین فاصله داشت.»

علی ربیعی اضافه کرد: در شب حمله طالبان به کنسولگری ایران با توجه به عدم حضور حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی، به من گفتند "جلسه شورایی امنیت ملی را تشکیل دهید." از سرلشکر فیروز آبادی درخواست کردم تا مدیریت جلسه را بر عهده بگیرد، دوستان مختلفی از وزارتخانه های اطلاعات و خارجه و سپاه، ارتش و... در این جلسه حضور پیدا کردند، آن شب احمد شاه مسعود به من گزارش داد که "اگر شما به هرات نیائید، کل آنجا دست طالبان خواهد افتاد. هیچی باقی نمانده است." من این گزارش را انعکاس دادم.

معاون پیشین وزارت اطلاعات با بیان این که در پایان جلسه دو دیدگاه در خصوص بحران فوق وجود داشت، اظهار کرد: یک دیدگاه این بود که باید به افغانستان و نیروهای احمد شاه مسعود یا جاهای دیگر کمک کنیم تا بتوانند هرات را باز پس گیری کنند، در این صورت باید حمایتی در داخل خاک افغانستان نیز از این نیروها صورت می گرفت.

ربیعی اضافه کرد: حدود ساعت ۲ نصفه شب بود که جمع بندی جلسه را امضاء کردم و به بیت رهبری فرستادم، فردای آن روز نماز صبح را خواندم و حدود ساعت ۷ صبح در محل کار خود حاضر شدم؛ وقتی وارد اتاق کارم شدم با نامه ای که احتمالاً ساعت ۵ صبح فرستاده شده بود، بر روی میز خود مواجه شدم که در آن نوشته شده بودند: «ما وارد این دام نمی شویم ولی تدابیر دیگر باید انجام شود» که با توجه به این تصمیم بسیار هوشمندانه ما وارد آن باتلاق نشدیم. در زمان حمله، تقریباً تمام مناطق افغانستان دست طالبان بود.

در همین راستا نوزد شفیع کارشناس مسائل افغانستان و سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نهم شورای اسلامی گفت: در مرداد ۱۳۷۷ (زمان حمله طالبان به کنسولگری ایران) تقریباً تمام مناطق افغانستان به جز محدوده مختصری از شمال آن در دست طالبان بود؛ در بعضی از بحران ها نیروهای نظامی می دانند که در صورت ورود، خروجشان دیگر دست خودشان نیست..... - ویراستاری و تکیه روی جملات به رنگ سرخ از من است- موسوی-

خوانندگان نهایت عزیز!

شما به این نقل قول طولانی یک بار دیگر، نیک نظر اندازید، هرگاه همان سنجه ها و معیار هائی را که به اساس آن، همه ما به خود حق می دهیم تا "شاه شجاع" را "خاین ملی" به شمار آوریم، "ببرک کارمل" را "خاین ملی" به شمار آوریم، تمام زمامداران بعد از کودتای ثور اعم از "تره کی - امین، نجیب، ربانی، ملا عمر، کرزی و اشرف غنی" را "خاین ملی" بنامیم، آیا پیشنهاد لشکرکشی ایران به افغانستان از جانب "احمد شاه مسعود"، به اساس تعاریف داده شده و قرائین مشابه، مصداق کامل "خیانت ملی" شمرده می شود و یا خیر؟

تا جایی که به این قلم بر می گردد، همان طوری که در عنوان مطلب نیز وی را "خاین ملی" نامیده ام، به مثابه نتیجه نوشته، گذشته از جرایم و خیانت های گذشته اش، صرف همین تقاضا را نیز مصداق کامل "خیانت ملی" دانسته، وی را "خاین ملی" می دانم.

هرگاه کسی خواسته باشد علیه چنین حکمی بحثی به راه بیندازد، حاضرم با کمال حوصله مندی، ضمن تقبل پاسخگوئی مسؤولیت نشر نوشته هایش را در پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" به عهده بگیرم.